

فرآیند جهانی شدن و تاثیر آن بر روند شهرنشینی در کلان شهرهای کشورهای توسعه (نمونه موردی: کلان شهر تهران)

عیسی سراقی، مربی دانشگاه پیام نور نهاوند
داریوش ابوالفتحی، مربی دانشگاه پیام نور نهاوند
حسین ملکی، مربی دانشگاه پیام نور نهاوند

چکیده

شهرنشینی ارتباط بین جمعیت، اشتغال، مهاجرت، ساخت کالبدی و محیط انسان ساخت می باشد، که توسعه آن در هر زمان و فضای جغرافیایی تحت تاثیر شرایط ملی و بین المللی است. فرآیند جهانی شدن که از دهه ۱۹۸۰ در جهان فراگیر شده کاهش اعتبار مرزهای جغرافیایی و فشردگی مفهوم زمان را به دنبال داشته است و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی کلانشهرها را که جهانی شدن در آنها نمود پیدا می کنند تحت تاثیر قرار داده است. در عصر اطلاعات، ارتباطات کلانشهرها با یکدیگر در چارچوب فضای ملی یا در سطوح بین المللی از طریق امواج الکترونیکی صورت می پذیرد، بنابراین در نقش و کارکرد کلانشهرها نیز تغییراتی حاصل شده است. در کلانشهرها یک فضای مجازی و غیرواقعی قابل مشاهده است که نتیجه توسعه فناوری های اطلاعاتی، میکروالکترونیک و ارتباطات راه دور می باشد بنابراین ترافیک عملکردها و نقش های جهانی در کلانشهرها قابل مشاهده است. از آنجایی که جهانی شدن جغرافیای ویژه ای دارد که مناطق کلانشهری را به عنوان کانون توسعه خود شامل می شود و آنها را در شبکه ای جهانی یکپارچه می سازد. این کلانشهرها مرکز اطلاعات، تولید اندیشه و ستاد مدیریت برای تولید و توزیع پراکنده در سطح جهان هستند و خدمات مالی بیشترین نقش را در آنها دارند این گونه کلانشهرها مرکز مدیریت فرآیند تولید است بدون آنکه مکان تولید باشند و در واقع تولید غیرمتمرکز با متمرکز شدن مدیریت همراه است. در

این مقاله به بررسی فرآیند جهانی شدن با توجه به جریان چندوجهی آن و اثراتی که در شهرنشینی کشورهای در حال توسعه داشته با نمونه موردی کلانشهر تهران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: شهرنشینی، کلانشهر، عصر اطلاعات، جهانی شدن، مهاجرت

مقدمه

جهانی شدن مهم ترین و بارزترین وجه تمایز اقتصاد امروز و دیروز جهان است که تاثیر چشمگیری بر روند شهرنشینی و توسعه فیزیکی در جهان داشته است. در جهانی شدن که طلیعه آن از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی شروع شده است مجموعه ای از فرآیندهای اجنماعی، سیاسی و عملکردهای اقتصادی را در بر گرفته که زمینه را برای آزادسازی بازارهای داخلی در برابراقتصاد بین المللی فراهم کرده است. که شکل گیری فرهنگ جهانی کلانشهری نمونه ای از تغییرات شهری است فرهنگ های جهانی کلانشهری می توانند به وجوه اشتراک بین کلانشهرهای بزرگ سراسر دنیا شامل محیط مصنوع، سبک های خاص زندگی، ابزار سیاسی و فضای پویای تجاری تعمیم داده شود.

حضور بانک های چندملیتی، بنیادهای مالی، روند همکاری داخلی با این شرکت ها و نیز ترقی جریان های جهانی سرمایه داری در کلانشهرهای مسلط کشورهای در حال توسعه همراه با رشد وتنوع صنایع خدماتی وگسترش شبکه های اینترنت و وبسایت ها از حضور فرآیند جهانی شدن در این کشورها می باشد. شهرها به عنوان مظهر و نمود تمدن بشری از این جریان به دور نبوده اند و تاثیراتی ولو اندک را پذیرا بوده اند. روند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه سیری شتابان را دنبال کرده است چون روند شهرنشینی از آهنگ صنعتی شدن آنها بسیار فراتر رفته که منجر به تورم شهری در فضای کالبدی آنها شده است.

درجه شهرنشینی را با توجه به وسعت اراضی اشغال شده و تراکم جمعیت به هکتار و موقعیتی که شهر در سلسله‌مراتب شهری کشور داشته و فاصله‌ای را که در شبکه شهری ناحیه‌ای یا پیرامون خود گرفته است.

جهانی‌شدن به دنبال تغییر در ساختار کالبدی شهرها و بیرون کشیدن صنایع از بخش مرکزی آنها بوده است بنابراین برای رسیدن به مقاصد خود از ابزارهای مختلفی نظیر معماری و اقتصاد پست‌مدرن بهره گرفته است. که حاصل آن نوعی توسعه ناموزون و لجام‌گسیخته در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. گرچه جهانی‌شدن در کشورهای توسعه‌یافته براساس نیازها و خواسته‌های آنها صورت گرفته و موافق با توسعه فیزیکی و روند شهرنشینی آنها است اما این روند هیچ‌سختی با فضای کالبدی و جغرافیایی آنها نداشته و یک فضای مجازی و غیرواقعی را به وجود آورده است که نقش و عملکرد کلانشهرها را در کشورهای در حال توسعه با اختلالاتی (منطقه‌بندی، کاربری اراضی شهری و ...) مواجه ساخته است.

جهانی‌شدن

جهانی‌شدن فرآیندی است که به سمت یک جهان بدون مرز حرکت می‌نماید و در آن فاصله و زمان مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد. که عامل اصلی آن بهبود در تکنولوژی‌های جدید و فن‌آوری‌های ارتباطی می‌باشد و در شهر اتفاق می‌افتد و شهرها را می‌توان مظهر و تجسم عینی جهانی‌شدن در نظر گرفت. که منجر به تغییراتی در شهرها شده و شهرها تغییرات آن را هضم می‌نمایند. پویای شهرهای معاصر نمادهایی از فرآیند مزبور هستند دگرگونی‌ها و تغییرات شهری فرآیند جهانی‌شدن را بازآفرینی می‌کنند گرچه برخی صاحب‌نظران خواسته‌اند

برای جهانی‌شدن پیشینه بلندی را در نظر گیرند و آبشخور آن را اندیشه‌های یونان باستان، آموزه‌های ارباب کلیسا در قرون وسطی و افکار متفکران قرون نوزدهم و بیستم اروپا بدانند (قزلسفلی، ۱۴۲، ۱۳۷۹) اما حقیقت این است که این پدیده، تاریخ چندان طولانی ندارد و پیشینه آن در سطوح بین‌المللی، باید از اوایل نیمه‌دوم قرن بیستم که از دهه‌ی ۱۹۶۰ مطرح شده و در ۱۹۸۰ در سطح جهانی اعتبار و ارزش می‌یابد. فرآیند جهانی‌شدن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده بود را از بین می‌برد و مردم به طور فزاینده از کاهش قیدوبندها آگاه می‌شوند. مساله دیگر تفاوت بین جهانی‌سازی و جهانی‌شدن در مساله محوری "تحقق" آنها می‌باشد در جهانی‌سازی نظامی از ارزش‌ها و عقاید وجود دارد که عمل به تصرف درآوردن و تسخیر و دگرگونی مناطق دیگر بواسطه آنها تحقق می‌پذیرد به عبارت دیگر جهانی‌شدن یک حرکت تکوینی طبیعی است و بالاخره اینکه در بیان تفاوت "شدن" و "سازی" گفته می‌شود که جهانی‌شدن یک فرایند طبیعی است که می‌توان آن را "جبر تاریخ" نیز تعبیر کرد درمقابل جهانی‌سازی یک فرایند طبیعی نیست بلکه یک پروژه یا طرحی است که از سوی عوامل بیرونی صورت می‌گیرد در اینجا سیاست‌ها و برنامه‌های خاصی اندیشه می‌شود تا به صورت امر جهانی و فراگیر درآید (ارغنده، ۳۲، ۱۳۸۶).

می‌توان عوامل به وجودآورنده جهانی‌شدن را به صورت زیر خلاصه نمود:

۱ اندیشه‌های فراگیر که به مردم اجازه می‌دهد جهان را همچون مکانی واحد تصور کنند.

۲ رشد سرمایه‌داری نوین در سطح جهانی.

۳ خلاقیت‌های فن‌آوری در عرصه ارتباطات، اطلاعات میکرو الکترونیک.

۴ تحول در عرصه تدوین قوانینی همانند آزادسازی اقتصادی که فضای

مناسبی برای تسریع و تسهیل امر جهانی‌شدن را مهیا می‌سازد (کرباسیان، ۱۲، ۱۳۸۲)

۵ بهبود در تکنولوژی تولید و سازمان‌های کار و کارگری که سبب ایجاد مجموعه‌های تولیدشده، و بدین ترتیب نیاز به کارگران ماهر در مراکز سنتی جای خود را به کارگران غیرماهر در کشورهای اقماری قبلی داده است (Hettne, 1999.22).

شهر و شهرنشینی

ارائه تعریف جامع و کامل از شهر که دربرگیرنده کلیه زمینه‌های تحقیقاتی مرتبط با شهر باشد کاری بس دشوار است. دلیل اصلی این امر را باید در ماهیت شهر و تنوع اشکال آن چه در زمان حال و چه در گذشته و وسعت موضوعات و مسایل مربوط به شهر جستجو کرد (خسرویان، ۱۶، ۱۳۸۲) گوردن چایلد باستان‌شناس استرالیایی در مطالعات تاریخی خود برای نخستین بار تولید مازاد را عامل کلیدی در پیدایش و حیات شهرها عنوان نمود. او فرآیند پیدایش شهر در تاریخ بشر را "انقلاب شهری" و شهرنشینی را معادل "تمدن" قرار داده است (عظیمی، ۱۴، ۱۳۸۱) رابرت معتقد است که ایجاد شهر دومین انقلاب عظیم در فرهنگ و گستره تاریخی حیات انسان، روند اجتماعی برجسته‌ای بود که بیشتر موجب دگرگونی در روابط متقابل بین انسان‌ها گردیده و تغییر در واکنش‌هایی که او نسبت به محیط داشته می‌باشد. بنابراین پیدایش شهرها نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی انسان به حساب می‌آید. پیدایش و رشد شهرها بستگی زیادی به مازاد تولید کشاورزی داشته است. بدون توان کافی اقتصادی (مازاد تولید کشاورزی) برای حمایت از افرادی که به شغل‌های غیر کشاورزی مبادرت می‌ورزند ساختن و

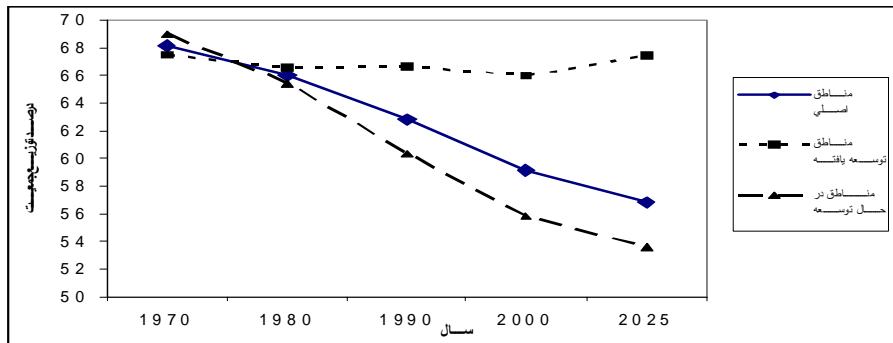
توسعه شهرها بی معنی جلوه می‌نماید تولید و مبادله مازاد کشاورزی در دوران قبل از انقلاب صنعتی عاملی برای توسعه کالبدی شهرها بوده است (Robert, 1989, 8). فرآیند شهرنشینی مجموعه‌ای از عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، جغرافیایی و فرهنگی است که درجه تاثیر هر یک از آنها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است. تفاوت‌هایی که بین سطوح شهرنشینی و میزان شهرنشینی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در زمانهای مختلف مشاهده می‌شود نشانگر تفاوت در سیستم اقتصادی، اجتماعی و بستر تاریخی است که شهر در آن تکوین یافته است. یا به عبارت دیگر شهرنشینی را می‌توان رشد شهری، یا آماری از ساکنین شهر، با افزایش نسبی از جمعیت شهر در ارتباط جمعیت کل کشور یا در منطقه خود معنی کرد. این در حالی است که افزایش جمعیت می‌تواند بوسیله رشد طبیعی از جمعیت اتفاق بیفتد که وابسته به فاکتورهای متعددی است که این فاکتورها تنها طبیعی نیستند بلکه فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی نیز دخیل هستند (Knduder, 2000, 23).

شهرنشینی جهان قبل از انقلاب صنعتی

تا قبل از انقلاب صنعتی پتانسیل برای توسعه شهرها در هر اندازه و مقداری وابسته به افزایش مازاد کشاورزی و بهبود حمل و نقل، ارتباطات و امنیت سیاسی بود. روزگار شهرنشینی شتابان که الگوی ظاهری آن حیرت‌انگیز بود ساختمان و فضای کالبدی شهر را در حالت گذار از سنتی به مدرنیته مهیا ساخته است این در حالی است که در همین دوره در کشورهای پیشرفته روند توسعه کالبدی در ارتباط کامل با فن‌آوری، اقتصاد و مسائل طبیعی شهرها بوده و اگر در این روند مشکلاتی وجود داشته با توجه به فن‌آوری‌های مدرن توانسته‌اند تا حدودی بر آنها

فایق آیند و در مجموع الگوهای شهرنشینی تا حدی برخاسته از انقلاب صنعتی و نیازهای آنها بوده است. اما رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه روندی برون‌زا داشته است. از طرف دیگر زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، تکنیکی و طبیعی کشورها در تعارض با الگوهای توسعه شهرنشینی بوده است. چون ترکیب کالبدی شهری چیزی جز انعکاس و تبلور سنن زیست و شیوه معیشت و ساختارهای رفتاری انسانی نیست. با این پیش‌فرض درصد جمعیت شهرنشین جهان در حال افزایش بوده و طی سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۵۰ از ۲۹ درصد به ۴۹ درصد رسیده است. در سده‌های اخیر جمعیت به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده و کم‌کم زمینه را برای ظهور کلانشهرها فراهم نموده‌اند (Englewood, 1966: 19). در نمودار (۱) درصد جمعیت شهری بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۵ در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان داده شده که در کشورهای توسعه‌یافته هرچه به زمان حاضر نزدیک‌تر می‌شویم ثبات و روند شهرنشینی هماهنگ و مشخص‌تری دارد و یک آهنگ منظم شهرنشینی در این کشورها حکمفرماست. در کشورهای در حال توسعه روند شهرنشینی در دهه‌های اخیر سیر صعودی فوق‌العاده‌ای داشته که دلایل مختلفی دارد از جمله تاثیر نیروهای جهانی‌شدن رشد سریع جمعیت، مهاجرت، حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته و ... می‌باشد.

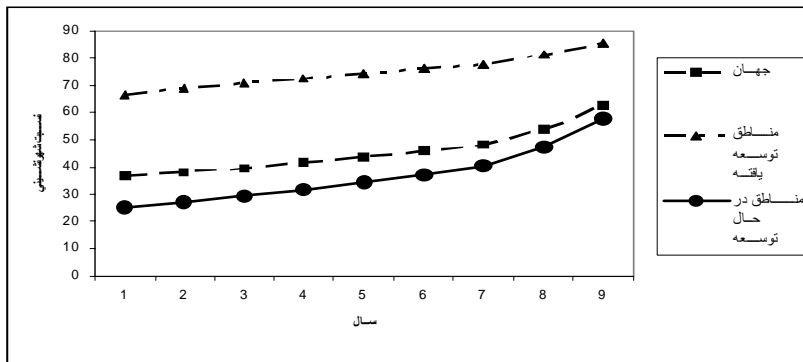
نمودار(۱): درصد توزیع جمعیت شهری با توجه به اندازه شهر در فاصله زمانی ۱۹۷۰-۲۰۲۵



مآخذ نگارنده، داده‌ها از سازمان ملل

مکان‌های ۱۰۰۰۰۰ نفر یا بیشتر افزایش پایدار را نشان می‌دهد ۰/۷۶ درصد در دوره ۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰ بوده است و در سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ به ۲۲۲ درصد رسیده و بین ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ به ۲۵۴ درصد رسیده است. اما تغییر شگفت‌آوری در شهرنشینی کشورهای در حال توسعه به وقوع پیوسته است همان‌گونه که سازمان ملل بیان داشته است بین ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۰ جمعیتی که در شهرهای ۱۰۰۰۰۰ نفر یا بیشتر در آسیا بوده است در این دوره میزان شهرنشینی با یک تخمین ۱۹/۴ میلیون به ۲۰۵/۶ میلیون ۴۴۴ درصد پیشرفت و در آفریقا از ۱/۴ میلیون نفر به ۱۰/۲ میلیون نفر پیشرفت ۶۲۹ درصد رسیده است (Moore, 1966, 12). در نمودار (۲) میزان رشد شهرنشینی در جهان به تفکیک در مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۵ را نشان داده است. در کشورهای توسعه‌یافته حول و حوش ۲۰۰۰ روند شهرنشینی به صورت آرام و بدون نوسان جریان دارد ولی در کشورهای در حال توسعه تا ۳۰ سال یا بیشتر هنوز یک روند پیچیده و نامنظم شهرنشینی را انتظار دارند.

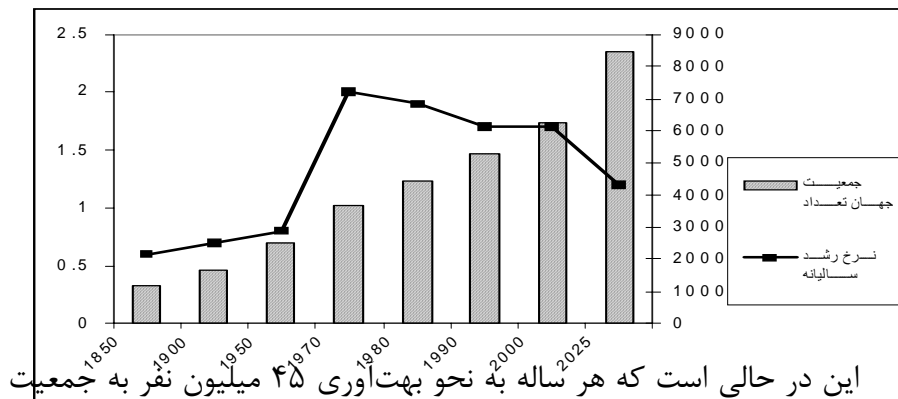
نمودار ۲: میزان شهرنشینی درصد تغییر سالانه ۱۹۷۰-۲۰۲۵



ماخذ نگارنده، داده‌ها از سیف‌الدینی سازمان ملل

در نمودار شماره (۳) روند جمعیت شهرنشین دنیا و نرخ رشد سالانه آن بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۲۰۲۵ به نمایش گذاشته شده است. که گویای این واقعیت است که نرخ رشد سالانه شهرنشینی از سال ۲۰۱۰ به بعد روند نزولی را تجربه خواهد کرد.

نمودار ۳: تعداد جمعیت شهرنشین و نرخ رشد سالانه بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰، داده‌ها از (Hauser)



این در حالی است که هر ساله به نحو بهت‌آوری ۴۵ میلیون نفر به جمعیت

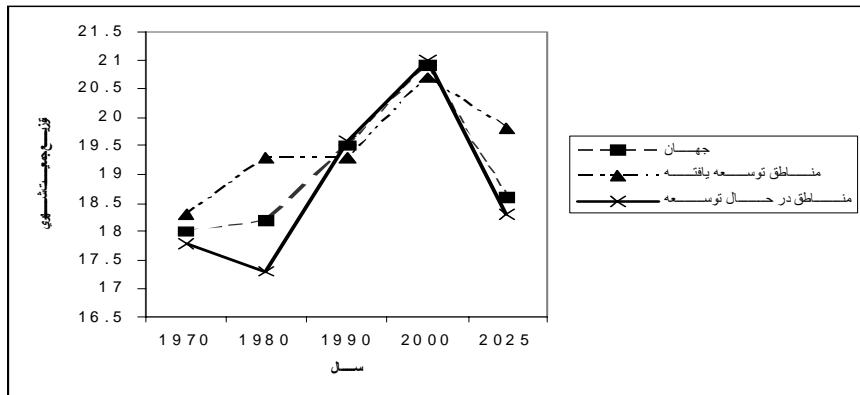
شهرهای کوچک و بزرگ اضافه می‌شود این جمعیت انبوه نتیجه فراوانی و گستردگی مهاجرت‌ها از روستا به شهر به اضافه آهنگ بالای افزایش طبیعی جمعیت به شمار می‌آید. در مقابل در کشورهای پیشرفته‌تر تقریباً سالی ۷ میلیون ساکن شهری به جمعیت شهرهای کوچک و بزرگ اضافه می‌شود (کارگر، ۸، ۱۳۸۶)

شهرنشینی معاصر و شکل‌گیری کلانشهرها

در ۱۹۰۰ فقط ۱۰ درصد از کل جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند. بعضی از نقاط جهان در آغاز هزاره سوم میلادی بیش از نیمی از جمعیت خود را در محیط‌های شهری اسکان داده‌اند که نشانگر افزایش سریع شهرنشینی می‌باشد و تقریباً به طور متوسط خیلی فشرده و عرضی سطح زمین را توسعه داده‌اند. به راستی ترکیب‌های جمعیتی، اقتصادی و روندهای اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری "کلافی از شهر" در یک سیستم جهانی و متمرکز سکونتگاه‌های انسانی است.

این الگو از شهرنشینی جهانی روبه‌رشد پیش‌بینی‌های اولیه را نقض می‌نماید (Branner, 2000, 4). در نمودار (۴) نسبت توزیع جمعیت شهری در مناطق مختلف جهان می‌باشد که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بیشترین نسبت را دارا است اما از سال‌های ۲۰۲۵ به بعد یک روند منطقی و آرام و حتی نزولی را نشان می‌دهد. این در حالی است که کاستل اظهار کرده که واکنش به خیزش تکنولوژی‌های اطلاعاتی از دهه ۱۹۸۰ به بعد، شهرها را دگرگون خواهد کرد. فعالیت‌ها در سطح کلانشهرها جمعیت را پراکنده می‌کند و مردم می‌توانند آزادانه در نواحی مختلف پراکنده و سکنی‌گزینند و برگشت حرکات جمعیتی نیز به مناطق روستایی دور از انتظار نخواهد بود. اما با رجوع به بررسی‌های تحلیلی از شهرنشینی و رشد جمعیت در نواحی مختلف جهان که توسط محققان صورت گرفته است، نظریات کاستل و

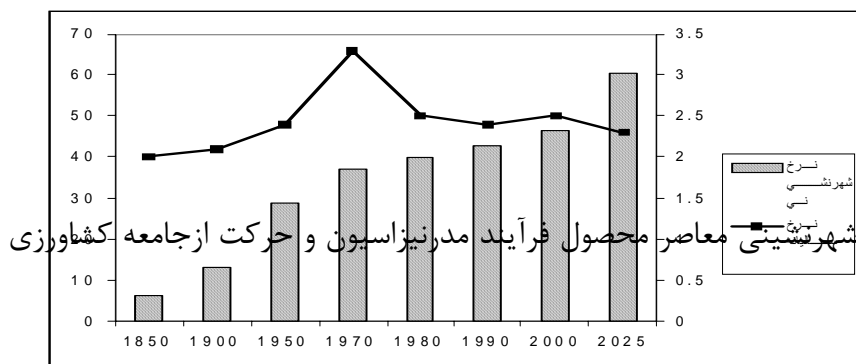
چند نفر از شهرسازان را مورد تردید قرار داده است چون بیشتر کشورها از لحاظ سطح شهرنشینی بالاتر از دهه های ۱۹۸۰ و ماقبل آن قرار دارند.
نمودار ۴- نسبت جمعیت شهرنشین ۱۹۷۰-۲۰۲۵



ماخذ نگارنده، داده‌ها از سازمان ملل

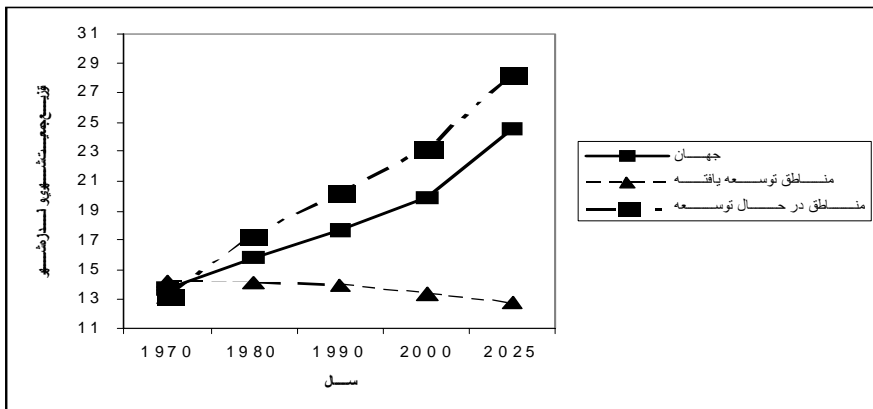
نمودار (۵) جمعیت شهرنشین بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۲۰۲۵ را نشان می‌دهد. در کشورهای آسیایی بیشترین رشد جمعیت و روند شهرنشینی در دهه ۱۹۷۰ بوده است و از دهه ۱۹۸۰ به بعد روند آرام و منطقی را دنبال کرده است و از دهه ۲۰۱۰ نیز سیر نزولی را خواهد داشت.

نمودار ۵: رشد جمعیت و جمعیت شهرنشین آسیا میلیون نفر داده‌ها از (Hauser)



به سوی جامعه صنعتی و فراصنعتی بوده است. به رغم دوگانگی نظام اجتماعی - اقتصادی آنها جهت عمومی شهرنشینی در عین حفظ شکل‌های خاص منطقه‌ای با توزیع جمعیت در آن به زیان روستاها و به نفع جوامع شهری بوده است (عظیمی، ۲۵، ۱۳۸۱). در نمودار (۶) توزیع جمعیت نقاط شهری با توجه به اندازه شهر بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۵ بیش از یک میلیون نفر در مناطق در حال توسعه و توسعه یافته است که نشانگر افزایش تعداد شهرهای میلیونی کشورهای در حال توسعه می‌باشد گفتنی است که رشد سریع شهرنشینی در دهه‌های اخیر تنها به دلیل مهاجرت روستا شهری نیست بلکه واکنش به افزایش رشد طبیعی جمعیت بخصوص در کشورهای جهان سوم است.

نمودار ۶: توزیع جمعیت شهری با توجه به اندازه شهر در فاصله زمانی ۱۹۷۰-۲۰۲۵ شهر



ماخذ نگارنده، داده‌ها از سازمان ملل

نرخ افزایش رشد شهرنشینی در کشورهای پیشرفته روند یکسان و ثابتی دارد

و شاید گرایشی نزولی و رو به کاهش باشد در بسیاری از کشورهای پیشرفته مقوله "شهرگریزی" و "شهرستیزی" جریان دارد در حالی که در کشورهای در حال توسعه روند شهرنشینی در حال افزایش بوده و احتمالاً ۳ یا ۴ برابر اندازه در سال ۲۰۲۵ در مقایسه با ۱۹۸۰ خواهد بود (Knander, 2000, 36).

ارتباط شهرنشینی و فرآیند جهانی‌شدن

شاید مهم‌ترین مشخصه قرن بیستم، توسعه سریع شهرنشینی و پیدایش انواع و اشکال سکونتگاه‌های شهری مثل "شهرک"، "کلانشهر"، "مجموعه شهری"، "منظومه شهری" و "شهرهای جهانی" است که نه تنها سیمای شهرها و حتی سیمای کره زمین را تغییر داده، بلکه تغییرات عمیقی در شیوه زندگی و افکار و عواطف انسان‌های معاصر ایجاد کرده است. از دیدگاه جامعه‌شناختی شهری‌شدن در قرن بیستم یک فرآیند جهانی است که نه تنها کشورهای صنعتی بلکه کشورهای در حال توسعه را نیز دربر گرفته است (مهدیزاده، ۴، ۱۳۸۵). با توجه به اینکه جهانی‌شدن فرآیند چندوجهی است که شهرها و مردم را از طریق جریان کالاها، خدمات، سرمایه و دانش هر چه بیشتر به هم نزدیک می‌نماید. در این میان کلانشهرها در پیشبرد این اهداف نقش اصلی را دارند (رضویان، ۱۹۵، ۱۳۸۲). روند جهانی‌شدن با توجه به تاثیری که بر ساختار اقتصادی و اجتماعی شهرها داشته است در نقش و کارکرد شهرها تغییراتی را به وجود آورده است. توسعه فیزیکی شهرها و عملکردهای شهری دستخوش تغییراتی گردیده‌اند که بحران‌های زیست‌محیطی را به دنبال دارد. تغییر و تحولاتی که سال‌های پایانی ۱۹۸۰ که در اثر حاکمیت اقتصاد جهانی و نظام سرمایه‌داری و گسترش و پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی رخ داد و ساختار اقتصادی-اجتماعی و کالبدی

شهرها را دگرگون کرد و سرمنشاء بسیاری از تحولات شهری گردید. بعد از گذشت دهه‌ها از فرآیند جهانی‌شدن محققین با مطرح ساختن تئوری وابستگی که شاید اولین تلاش سیستماتیک برای تحلیل جنبه‌های منفی از جهانی‌شدن است فشارهایی که این وابستگی و ارتباط خارجی با پایه اقتصاد و ساختارهای فرهنگی قابل‌هضم نمی‌باشد. اگرچه این موارد با تئوری وابستگی تحلیل نمی‌شوند اما زمینه‌هایی برای به چالش کشاندن آنها می‌باشد واضح است که تنوع در سیستم شهری کمک شایانی به تفاوت درون و بیرون شهرها در فضای کالبدی خود و فضای ساختار ملی در طبیعت این وابستگی و چشم‌اندازهایش برای توسعه می‌باشد (Robert, 2005, 111). درک و روند شهرنشینی در کشورهای توسعه‌نیافته و عوامل اصلی آن تنها در پرتو بررسی روابط فضاها در چارچوب اقتصاد جهانی عملی می‌باشد. ماهیت و نوع تکامل در یک سیستم شهری بستگی به روابطی که یک فضا با فضاهای دیگر برقرار می‌کند دارد (حسامیان، ۱۳۲، ۱۳۵۸). شهرنشینی عامل تسهیل‌کننده و نتیجه جهانی‌شدن است فرآیند جهانی‌شدن نظریک فرآیند منطقی بین سطوح ملی و محلی است که ترفیع فرهنگ محلی را به دنبال دارد. در چنین فضایی دستاورد جهانی‌شدن تشدید فضای فراملی، بحران‌های بین‌المللی مسائل، تعارض‌ها و حتی بیوگرافی فراملی که باید نه به صورت طولی فهمیده شود و نه همچنین فرآیندی جزئی از کل باشد. بلکه به بیان دقیق‌تر همچون یک اتفاق منطقی از فرآیندهای جهانی است. بسیاری از جنبه‌های جهانی‌شدن در شهرنشینی خیلی خوب کاربردی شده‌اند. شهرنشینی منجر به ارتقاء فرهنگ‌های روستایی در مناطق قبل از شهر شده است. با این وجود تمام جنبه‌های سنتی خود را از دست داده به صورت یک فرهنگ نیمه‌شهری درآمده است. این فرآیند در سطوح بالایی همچنان ادامه دارد. وقتی مردم به مناطق کاملاً شهری شده مهاجرت می‌کنند و

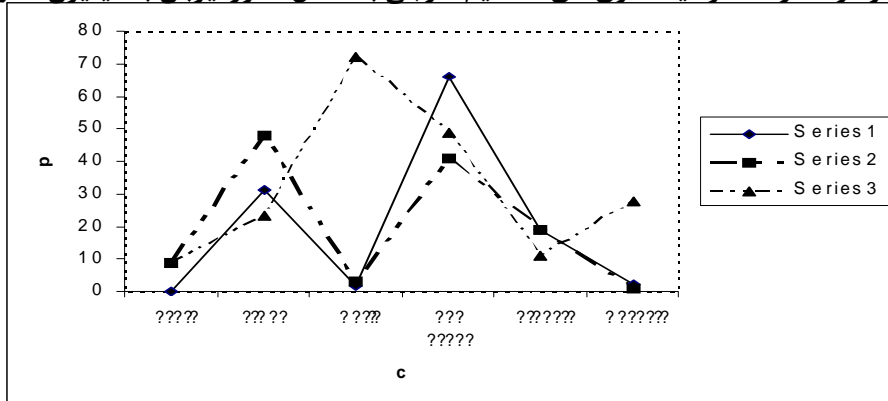
شهرنشین می‌شوند همچنین در ابعاد خیلی فراتر از نسل اول، شهروندان نسل دوم مهاجرین شهری شده به سوی موقعیت‌هایی از روابط اجتماعی فراملی و مکان اجتماعی به یک درجه عمیق غیرقابل‌مقایسه در قیاس با مناطق روستایی به دست می‌آورد (Knauder, 2002, 26) جهانی‌شدن مخصوصاً تاثیراتش بر موقعیت‌های شغلی و بین‌المللی‌شدن تولیدات و شرکت‌های فراملی که حاصل آن تقویت رشد شهرنشینی و توسعه کالبدی کلانشهرها با صرفه جریان اطلاعات ساده و نگهداری اخیر بوده. عکس‌العملی بوجود یک سیستم حمل و نقل مناسب و چارچوب لجستیکی و توزیع متناسب با شرایط طبیعی و انسانی کلانشهر می‌باشد. جریان‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های فراملی در کلانشهرها یک سود رقابتی عظیمی بالاتر از شهرهای کوچک به وجود آورده که در ارزش‌یربنای اطلاعاتی و فناوری‌های ارتباطی مدرن می‌باشد که عامل تسریع‌کننده در روند شهرنشینی و توسعه کالبدی کلانشهرها است (Zhao&Chan&Sit, 2003, 276).

کلانشهر تهران

تهران در دوره‌ای به شهر درختان چنار مشهور بود، به طوری که گاهی پیش می‌آمد مسافران از تراکم بیش از حد درختان و باغ‌های اطراف شکایت می‌کردند (زرآزوند، ۱، ۱۳۸۱). تهران مهم‌ترین قطب جمعیتی و شهری کشور است که حدود یک چهارم جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده است. تهران ۲۲۷۰۰۰۰ نفری با مساحت تقریبی ۱۸۰ کیلومترمربع در سال ۴۵ به ۷۲۰۰۰۰۰ نفر و وسعت ۷۰۷ کیلومترمربع در سال ۸۰ تبدیل شده است. در سال ۱۸۰۰ میانگین جمعیت درصد کلانشهر جهان ۲۰۰ هزار نفر بود در سال ۱۹۰۰ میانگین جمعیت در این شهرها ۷۰۰ هزار نفر و در سال ۱۹۵۰ به ۲/۱ میلیون نفر رسید

امروزه میانگین جمعیت کلانشهرها به ۵ میلیون و بیشتر رسیده است (رضویان، ۵۵، ۱۳۸۱). در این تعریف مسایل کمی شهری مدنظر بوده است در حالی که متخصصان ملاک‌های متعدد دیگری را مورد استفاده قرار می‌دهند. کلانشهرهای امروزی کانون ثروت، قدرت، تولید انبوه، نوآوری فرهنگی، انواع ایدئولوژی‌ها و سرانجام کانون مصرف انبوه محسوب می‌شوند (خمر، ۸۵، ۱۳۸۵). زیاری در باب ورود یا عدم‌ورود یک کشور به فرآیند جهانی‌شدن، سرمایه‌گذاری خارجی و درآمدهای ارزی حاصل از توریسم را ملاک قرار داده است. با توجه به نمودار زیر جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی به ایران طی دوره ۱۹۹۱-۱۹۹۶ اغلب پایین یا منفی اعلام شده است. این مساله ناشی از انتقال سرمایه به خارج از ایران یا عدم‌اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی به امنیت سرمایه‌گذاری و انتقال سود حاصل در ایران، بی‌ثباتی اقتصادی و نیز عدم‌شفافیت و سیاست‌های جلب سرمایه‌گذاری خارجی است (زیاری، ۱۳۶، ۱۳۸۴).

نمودار ۷: درصد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به داخل کشور میزبان به میلیون دلار



ماخذ نگارنده، داده‌ها از سازمان ملل

این آمار و ارقام حاکی از ناچیزبودن میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در

کشور و نیز در فرآیند جهانی‌شدن ایران از لحاظ اقتصادی به حاشیه رانده شده است. تنها بر درآمد نفت تاکید می‌نماید که اساس اقتصاد کشور را بر منبعی قرار داده‌اند که نوسانات آن تابع نظرات کشورهای قدرتمند است. در مورد صنعت توریسم با توجه به قابلیت‌ها و پتانسیل‌هایی که در ایران وجود دارد به خاطر برخی مسایل مدیریتی و اداری توجه کافی به این بخش نشده و اقتصاد کشور را از این درآمد هنگفت محروم ساخته است. با توجه به شاخص‌های جهانی‌شدن ایران با توجه به سیاست‌های درون‌گرا نتوانسته است وارد جهانی‌شدن شود و همچنان در حاشیه قرار دارد و چون هیچ نقشی در جهانی‌شدن ندارد اگر ایران در فرآیند جهانی‌شدن نقش قوی و فعال داشت حداقل تهران در میان مادرشهرها نقش فعالی را ایفا می‌نمود در حالی که تهران همچنان به عنوان یک کلانشهر بی‌قواره به حیات خود ادامه می‌دهد و رشد فیزیکی آن تحت تاثیر عواملی چون انباشت شدید سرمایه مثل خدمات سوداگرانه، درآمدهای نفتی، عدم وجود سیستم توسعه قوی در جهت تعدیل و رشد موزون و اتصال به اقتصاد جهانی یک‌سویه و شامل واردات کالا و صادرات نفت قرار دارد (زیاری، ۱۳۷، ۱۳۸۴).

جهانی‌شدن و توسعه فیزیکی کلانشهرها (تهران)

جهانی‌شدن در کلانشهرها بر طبقه‌بندی اجتماعی، توزیع درآمد داخل کلانشهر، جمعیت و روش‌های زندگی تاثیر قابل توجهی گذاشته است. با پیشرفت شگرف در فناوری‌های ارتباطی و جریان‌های اطلاعات و گرایش جهان به سمت هوشمندی و دانایی محوری در عصر حاضر در ریخت‌شناسی فضای شهری تغییرات اساسی حاصل شده است. در حالی که اکثر شهرهای بزرگ در گذشته در یک یا دو مرکز شهری کاملاً مشخص تمرکز یافته‌اند به عبارتی دارای هسته‌های تراکمی

مشخصی بوده‌اند اما کلانشهرهای امروزی شدیداً در حال تبدیل شدن به شبه شهرهای جهانی چندمرکزی و یا تجمع چندخوشه‌ای شهر می‌باشد (کاظمی، ۲۱، ۱۳۸۴). با توجه به ارتباطات مختلفی که بین کلانشهرها وجود دارد و نقش‌های مختلفی را که پذیرا هستند. از لحاظ توسعه کالبدی خودجوش عمل نمی‌کنند چون در کشورهای در حال توسعه با توجه به بافت سنتی شهرها و نهادهای سیاسی و فرهنگی که در آن تکوین یافته‌اند استقرار دو الگو در توسعه فیزیکی متضاد در فضای کالبدی شهر وجود دارد، الگوی اول که براساس تفکر و دیدگاه سنتی چند مرکزی فشرده که در اطراف مرکز و بافت‌های تاریخی و در جهت بازسازی آنها دیده می‌شود. در الگوی دوم براساس نگرش طرح‌های ملی شامل چند هسته مرکزی پراکنده است. که در کشورهای پیشرفته به حومه‌نشینی مدرن تعبیر می‌شود. در کشورهای در حال توسعه به دلیل نبود زیرساخت‌ها و پیش شرط‌های جهانی شدن بیشتر به شکل اسکان غیررسمی تجلی پیدا می‌کند. تاثیری که جهانی شدن بر بافت کالبدی خواسته یا ناخواسته داشته است فرسودگی، زوال و تخریب بافت قدیمی، تمرکززدایی در نتیجه تاثیر اقتصاد جهانی و الگوهای انباشت سرمایه و ترویج فرهنگ مصرف بین شهروندان بوده است که به احداث برج‌ها و ساختمان‌های اداری و دفاتر شرکت‌های چندملیتی و اماکن تجاری به سبک غربی می‌باشد. توسعه کالبدی تهران بین سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۷۵ تحت-تاثیر سه جریان فکری مدرنیسم، پست مدرنیسم و جهانی شدن بوده است در سال‌های ۱۳۱۰ به بعد به خاطر فرآیند مدرنیزاسیون و بعدها اصلاحات ارضی و ورود سرمایه‌ها و مصنوعات خارجی توسعه کالبدی رشد سریعی داشته است این در حالی است که تهران هنوز فاقد هسته‌های صنعتی بوده بی‌آنکه گذار از اقتصاد کارگاهی به اقتصاد کارخانه‌ای را بشناسد و بدون آنکه به یک جامعه تولیدی

تبدیل شود دچار یک دیوانسالاری دولتی گردید و از آن حالت تولیدی به یک جامعه خدماتی و مصرفی تبدیل شده است (حبیبی، ۱۵۳، ۱۳۸۳) کلانشهر تهران با پذیرش بنیادهای اقتصادی جدید و برخورداری از مازاد اقتصاد ملی ناشی از درآمدهای مختلف مثلاً نفت از مجموعه پیکره اقتصادی ناحیه و منطقه فاصله گرفتند و عملکردهای تازه‌ای را شروع کرده‌اند.

در دوره مدرنیسم طرح‌هایی را که برای توسعه تهران در نظر می‌گرفتند بیشتر براساس یک شهر صنعتی بوده است این در حالی است که این طرح‌ها به یک سری فاکتورها نیازمند است که در تهران وجود نداشته و عدم تحقق برنامه‌ها و گسیختگی بافت شهری را به دنبال دارد. بخصوص بعد از انقلاب مساله زمین شهری این روند را تشدید کرده است. یک آشفتگی و ناهمخوانی بین طرح‌های توسعه فیزیکی با فضای کالبدی جامعه وجود داشته است. در توسعه کالبدی کلانشهرها شاهد دوگانگی در ساخت و ساز بوده که کارایی و عملکرد شهر را پایین می‌آورد. در بافت جدید به دلیل عدم مطالعات دقیق اراضی کشاورزی را برای توسعه آتی شهر در نظر می‌گیرند. هزینه‌های حمل و نقل سنگین، خدمات بهداشتی در حدقابل قبولی نیست در توسعه فیزیکی تهران بایستی ساخت و سازها و برنامه‌ریزی شهری براساس هدایت شکل سه‌بعدی و رشد کالبدی و تغییر در ساختار اداری و مدیریتی صورت می‌گرفت. افزایش درآمد نفت و میزان فزاینده جمعیت همراه با رشد مهاجرت به شهرها، توسعه هرچه بیشتر پایتخت را در پی داشت. در طول سال‌های دهه ۱۳۵۰-۱۳۳۰ بورس بازی زمین و ساخت و ساز مسکن آغاز شد و ابعاد به مراتب گسترده پیدا کرد تنوع مشاغل و تسهیلات متنوع و افزایش تعداد اتومبیل‌های شخصی و اتوبوس موجب گسترش آزاد بافت شهری به سوی نواحی پیرامونی گردید (زراوند، ۲۸، ۱۳۸۱). این در حالی است که در

سال‌های گذشته تهران علاوه بر موقعیت سیاسی دارای موقعیت راهبردی نیز می‌باشد چون در تقاطع محور تجارت شرق و غرب قرار داشته منجر به توسعه فیزیکی شهر شده است برای توسعه فیزیکی از طرح‌های کشورهای مزبور الگوبرداری کرده است و بحران‌های متعددی را گریبانگیر کالبد شهر نموده است. توسعه فیزیکی تهران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به دلیل مهاجرت وسیع و توده‌ای و فقدان طرح‌های توسعه شهری مدون، حالتی لجام گسیخته داشته که پیدایش مناطق حاشیه‌نشین و زورآبادها از نتایج توسعه فیزیکی شهری در این دوران است اما بعد از پیروزی انقلاب با توجه به طرح‌های توسعه‌ای که برای شهر در نظر گرفته‌اند رشد کالبدی تا حدودی چهره متعادلی به خود گرفته است.

جهانی‌شدن شبکه‌های ارتباطی کلانشهرها (تهران)

سهولت ارتباطات فراملی منجر به تعامل میان شهرهای بزرگ شده و می‌توان از رسانه‌های متعدد برای تبادل نظریات و اطلاعات در مورد موضوعات سیاسی، علمی، فرهنگی موجود و راه‌حل‌های احتمالی آن استفاده کرد. توجه متمرکز به ایجاد شبکه‌های مشترک بین شهری، نتایج بالقوه زیادی را به صورت افزایش آگاهی از مشکلات رایج، دستیابی به فن‌آوری و ایجاد فرصت برای ابداعات جمعی در بین مرزهای شهری و ملی داشته است. همچنین می‌توان آنرا به عنوان وسیله‌ای برای بالابردن رقابت برای سرمایه‌گذاری‌های جهانی قلمداد کرد (کاظمی، ۱۶۲، ۱۳۸۴). در چند دهه اخیر در پرتو توسعه روزافزون ارتباطات بویژه ارتباطات الکترونیکی از راه دور، مفهوم فضا و فاصله به گونه‌ی غیرقابل‌تصور در هم‌ریخته است. کاستلز در ارتباط با فن‌آوری ارتباطی معتقد است. فن‌آوری‌های علمی در حال دگرگونی جنبه‌های اساسی زندگی انسان یعنی زمان و فضا است. به عنوان مثال تحولات

فن‌آوری ارتباط از راه دور در آینده به انسان اجازه می‌دهد که در خانه یعنی "کلبه الکترونیکی" خود کار کند و نیازی به رفتن به موسسه یا محل کارش نداشته باشد و این در حالی است که محل کار او تبدیل به مکانی کاملاً بی‌مصرف شده است (عظیمی، ۱۲۹، ۱۳۸۱). در جامعه شبکه‌ای، جریان‌های مجازی شکل می‌گیرد، که اقتصاد جهانی جدید آن را به وجود آورده است، که اقتصاد بی‌زمان و مرز نامیده می‌شود و در آن رد و بدل کردن اطلاعات برتبادل کالا برتری یافته و ارزش افزوده اصلی به فرآیند اطلاعاتی و نه تولید کالا بستگی دارد. بدین ترتیب از فضاهای جدیدی سخن می‌گویند که سهم مهمی در شکل‌دهی به نظام‌های شهری جهانی، ملی و منطقه‌ای خواهد داشت. این فضاها را فضای جریان‌ها نامیده‌اند که فقط یک فضای الکترونیکی صرف نیست و از لحاظ کالبدی فضای جریان‌ها از گروه‌ها و کانون‌ها تشکیل شده‌اند، که روابط و کلید فعالیت‌های یک محل از محل‌ها را به دست می‌آورد. در عصر اطلاعات ارتباطات کلانشهرها با یکدیگر یا در سطح بین‌المللی از طریق امواج الکترونیکی صورت خواهد گرفت. شکل‌گیری شبکه ارتباطات راه دور جهانی در عرصه چشمگیر اینترنت و "شبکه گسترده جهانی" که در حقیقت زیرساخت‌های اطلاعات بین‌المللی در مهم‌ترین ساز و کار انتقال و عرضه آگاهی علمی و دانشگاهی در سراسر جهان به خوبی نمایان است. توسعه شهری مبتنی بر ارتباطات راه دور، چالش‌هایی را در اینکه چطور فضاهای شهری در متن شهرهای صنعتی، برنامه‌ریزی شده عرضه می‌دارد. اگرچه برداشت محققین از زندگی شهری همراه ارتباطات راه دور در فضای الکترونیکی ممکن است در شهرهای معاصر اقتصادهای توسعه یافته اغراق‌آمیز تلقی شود (پورا احمد، ۶۹، ۱۳۸۴) انقلاب ارتباطات و اطلاعات به سرعت اقتصاد، فرهنگ و سیاست جهان را دستخوش تغییراتی نموده است. جهان را به مثابه یک "دهکده جهانی" تبدیل

کرده است. رخدادهایی که در هر گوشه از این سیاره رخ می‌دهد در کمترین زمان ممکن در سراسر جهان منتشر می‌گردد. پیشرفت‌های اخیر در ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، پیشرفتی انقلابی به شمار می‌رود و بدین ترتیب کنترل دانش به سختی صورت می‌گیرد و مردم در سراسر جهان به شرطی توانا خواهند شد که فن‌آوری نوین را به شکل مبتکرانه‌ای به کار برند (Yadar, 1993:2). در فرآیند جهانی شدن شبکه‌های ارتباطی نقش و عملکردشان تا حدودی تضعیف می‌شود. بیشتر کارها در خانه و بدون حضور فیزیکی صورت می‌گیرد. بنابراین در برنامه‌ریزی برای شهرهای معاصر با توجه به این امر لازم است که در کاربری مسکونی ملاحظات ویژه‌ای اعمال شود. یا به عبارتی عنوان "شهر اطلاعاتی" کاستلز، در برداشت مستقیم و ظاهری شبکه‌های الکترونیکی، آخرین فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای را در یک مقیاس جهانی به تعاملات همزمان بدل کرده است به این ترتیب می‌توان کل دنیا را به یک شهر واحد تبدیل کرد اما در برداشت استعاری و غیرمستقیم، شهر تصویری از جامعه با تمام تنوع، فرآیندهای جاری، تضادها، کشمکش‌ها و عدم تقارن‌های آن است بنابراین "شهر اطلاعاتی" جامعه جهانی عصر اطلاعات است (ناصری، ۶۳، ۱۳۸۵). کلانشهر تهران به علت وجود نمایندگی بعضی از شرکت‌های بین‌المللی و تغییر و تحولاتی که در چند دهه اخیر در بافت کالبدی آن روی داده نیازمند توسعه شبکه‌های ارتباطی است بنابراین در وهله اول به ایجاد خیابان‌های دوطرفه در مسیرهای اصلی و ایجاد آزادراه‌ها و راه‌های فرعی و اصلی شوسه پرداخت بعد از آن برای مسافرت‌های بین‌المللی به احداث فرودگاه مهرآباد و در حال حاضر فرودگاه امام مبادرت گردید و اخیراً نیز فازهایی از مترو مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در مجموع شبکه‌های ارتباطی نسبت به دهه ۵۰ پیشرفت چشمگیری داشته است. با این حال هنوز تهران از لحاظ شبکه‌های

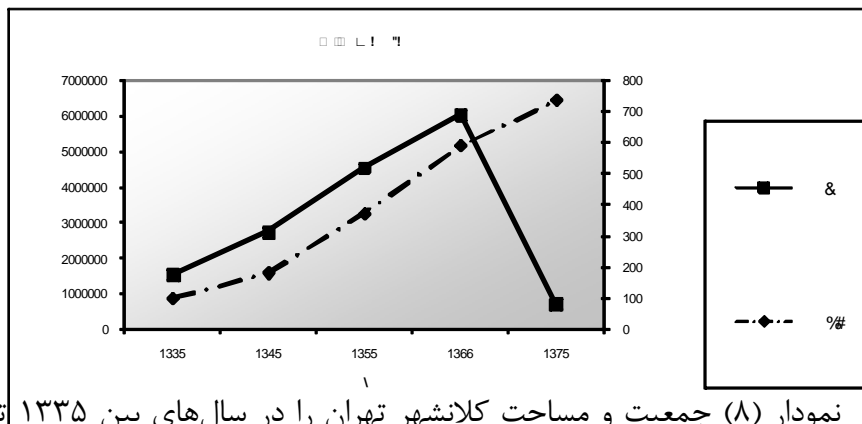
ارتباطی درمقایسه با کشورهای دیگر در وضعیت مطلوبی نمی‌باشد در زمان حاکمیت دیدگاه مدرنیسم بیشتر به تعریض خیابان‌ها می‌پرداختند در دوره پست مدرنیسم توجه کافی به شبکه‌های سواره و پیاده مبذول گردید و در عصر اطلاعات به گسترش شبکه‌های اطلاعاتی و شهر الکترونیک منجر شد که هنوز جوابگوی واقعی شهروندان نمی‌باشد.

تراکم شهری در کلانشهرها (تهران)

اقتصاددانان شهری به دنبال فاکتورهایی برای در نظر گرفتن فرآیند توزیع فضایی جمعیت در مناطق شهری هستند. به لحاظ اقتصادی تراکم جمعیت و نحوه استقرار آنها دارای اهمیت ویژه‌ای است. مخصوصاً شکل‌های نمایی از جمعیت که در ادبیات رایج جمعیتی اندازه‌گیری‌های آسان جمعیت را برای شرح و مقایسه الگوسازی جمعیت در مناطق مختلف شهری در زمان‌های مختلف به کار می‌برد (Narcotullio, 2002: 1525). برای اندازه‌گیری تفاوت‌های فرعی شهرنشینی در مناطق مختلف و تعیین درجه آنها مهم‌ترین ابزار تخمین به وسیله نقش‌نمایی تراکم است. ارتباط این روش برای تحلیل گرایش شهرنشینی به وسیله اصول تکنیکی و تجربی صورت می‌گیرد. واضح است که توزیع جمعیت در مناطق شهری براساس شکل‌نمایی تا اندازه‌ای تحت فرضیات منطقی ارتباط با رفتار مصرف‌کنندگان مسکن و تولیدکنندگان و شکل‌هایی از سودمندی و عملکردهای تولید مسکن است. این مدل همچنین نشان می‌دهد که سطح یکنواخت نتایج، تعادل سازگاری‌ها در درآمد خانواده‌ها، هزینه‌های رفت و برگشت، اجاره زمین و اندازه منطقه شهری است. یا به عبارت دیگر شهرها با درجه‌های شیب کمتر شهرنشینی و اسکان جمعیت بیشتر نسبت به شهرهایی که دارای شیب زیاد است در نظر

گرفته می‌شوند. کلانشهرها تحت‌الوای شهرنشینی می‌توانند در ارتباط با شهرهای کوچک مزیت‌های بیشتری را کسب نمایند در کلانشهرها امکان سرمایه‌گذاری‌های عظیم برای تاسیس شرکت‌های تجاری برای تولید محصولات در مقیاس انبوه بالطبع کاهش هزینه‌ها را همراه با افزایش تراکم متخصصان و کارگران به دنبال خواهد داشت (Zha&Chan&,2003,266). کلانشهرها با گرایش به ایجاد چارچوبی از زمین و سرمایه‌گذاری، آموزش مناسب و افراد متخصص فراهم می‌نمایند تا بتوانند علاوه بر بالابردن بازدهی و سود حاصل از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تجاری تراکم را در حد قابل قبول فضای کالبدی شهر را از لحاظ آسیب‌های زیست‌محیطی مصون نمایند نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های تجاری تمایل دارند در شهرهایی فعالیت داشته باشند که نیروی کار متخصص با امکانات حمایتی خوب و زیربنای اقتصادی مناسب در آنجا فراهم باشد. کلانشهرها خواستار تاسیس یک اتحادیه فعال هستند تا نتیجه‌ای از پیش‌بینی ساختارهای بالاتر و دیگر وسایل حمایتی زندگی در هر دو حال کمی و کیفی را برای اعضا فراهم نماید (Chera,2003,276).

نمودار ۸: جمعیت و مساحت کلانشهر تهران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ داده‌ها از مرکز آمار



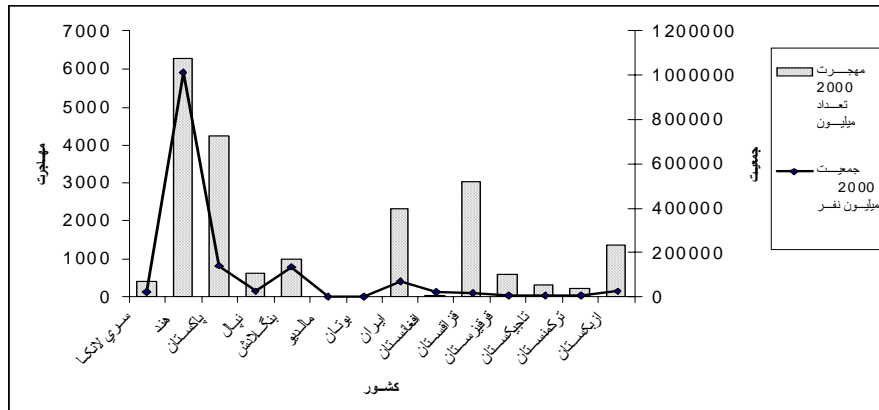
نمودار (۸) جمعیت و مساحت کلانشهر تهران را در سال‌های بین ۱۳۳۵ تا

۱۳۷۵ نشان می‌دهد. با توجه به نمودار، مساحت تهران در طول این سال‌ها دارای سیر صعودی بوده و جریان ممتد گسترش فضای کالبدی آن را مشاهده می‌نمایید در حالی که جمعیت تهران تا سال ۱۳۶۶ سیر صعودی داشته و به بالاترین تعداد می‌رسد اما بعد از آن با توجه به برنامه‌های دولت کاهش محسوسی داشته است. این نمودار به خوبی نشان‌دهنده این است با توجه به سیاست‌های اقتصاد جهانی و به دنبال آن جهانی‌شدن منجر به مهاجرت نیروی انسانی در سطح گسترده به تهران شده که نتیجه آن افزایش تراکم می‌باشد. با مقایسه تراکم در دوران قبل از انقلاب و بعد از آن متوجه خواهیم شد که روند تراکم شهری در تهران قبل از انقلاب شدیدتر بوده است در دوران بعد از انقلاب از سال‌های دهه ۷۰ به بعد روند منطقی‌تری را دنبال کرده است.

جهانی‌شدن و روند مهاجرت در کلانشهرها (تهران)

مهاجرت یک عامل اجتماعی در تکوین تاریخ و تمدن بشری است که با کارکرد مثبت، بزرگترین نقش را در تحرک و ارتقاء بینش و شکل‌گیری تمدن‌های بشری و شهرهای عظیم داشته است. عامل خلاقیت روحی در زندگی انسان و تحرکات اجتماعی در تاریخ بشر بوده انسان را کد را تبدیل به انسان سازنده محیط می‌کنده‌مواره با تمدن در تاریخ تکرار می‌شود (خجندی، ۱۵، ۱۳۸۲) نمودار شماره ۹ که نشانگر تعداد مهاجرین کشورهای آسیایی است که هند بیشترین و بوتان و مالدیو کمترین مهاجرت را دارا هستند. ایران نسبت به تعداد جمعیت دارای حرکات مهاجرتی قابل‌ملاحظه‌ای است.

نمودار ۹: میزان مهاجرین کشورهای آسیایی، ماخذ نگارنده، داده از سازمان ملل



گرایش به سوی نیروهای جهانی شدن تجارت آزاد و گردش آزاد سرمایه معمولاً وابسته به مهاجرت و یا جمعیت‌شناسی نیست. اگر جهانی شدن بوسیله تحرک مردم انجام گرفته باشد مسلماً توسط جمعیت‌شناسان مورد توجه قرار می‌گرفت. جهانی شدن زمینه را برای افزایش میزان و تنوع مهاجرت در مناطق مختلف فراهم کرده است. به نظر می‌رسد که اکثریت این مهاجرت‌ها بوسیله فاکتورهای اقتصادی متنوع هدایت می‌شوند؛ خاصه به دلیل اختلاف دستمزدها بین مناطق مختلف کشورها صورت می‌گیرند. وجود اختلاف بین سیاست‌های ملی هر کشور در افزایش ترکیب گروه‌های مهاجر تاثیرگذار است. از لحاظ فرهنگی عده کثیری از مردمان کشورهای مختلف در شکل‌دهی و بسط جهانی شدن نقش اساسی دارند و کم‌کم خودشان در آن محو می‌شوند و از طرف دیگر متخصصان مدیریت شهری معتقدند که تنوع شهرنشینی محصول جهانی شدن است (Price, 2003, 947). مهاجرت‌های بین‌المللی که بیشتر بین کلانشهرهای ملی اتفاق می‌افتد بعد از

انقلاب صنعتی از عواملی است که به پویایی جمعیت و رشد شهرنشینی کمک شایانی کرده است. در عصر حاضر بیشتر مهاجرت‌ها با هدف جابجایی نیروی کار و با یک کنش اقتصادی همراه بوده که در بازار اقتصادی کشورهای میزبان تاثیر چشمگیری داشته است. کلانشهرها و فعالیتهای اقتصادی آنها از جهانی‌شدن تاثیر می‌گیرند که اگر درست برنامه‌ریزی و هدایت شوند قادرند به عنوان نیرو و ابزاری که کمک شایانی به شکوفایی و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کلانشهرها می‌نمایند تلقی شوند در غیر این صورت مسایل و مشکلاتی نظیر بحران‌های اقتصادی، حاشیه‌نشینی، بحران‌های زیستی، محیطی، بیکاری و ... را برای کلانشهرها به ارمغان می‌آورند (Williams, 2002, 169). نرخ مهاجرت روستاشهری در بیشتر کشورهای در حال توسعه در حال کاهش می‌باشد. اما هنوز در قسمتهایی از آفریقا نشانه‌هایی از آن وجود دارد تنها به این دلیل که مهاجرت روستاشهری به دلیل اختلاف درآمدی است درست نیست؛ موضوع اصلی تفاوت در استانداردهای زندگی است که تاثیر منفی در روستا داشته و عامل دافعه آنها از محیط روستا بوده است که به تقسیم گسترده جهانی از کار و منجر به تحریک مهاجرت بوسیله ایجاد ارتباط بین شهرها و نواحی روستایی بوده است (Bragnock, 1989, 95). در کشورهای پیشرفته بعد از انقلاب صنعتی روستاییان به شهرها مهاجرت کردند و شهرنشینی با یک تغییر عمودی در نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش شهری و صنعتی صورت گرفته است. در حالی که در ایران مهاجرت نیروی کار بخش زراعی به بخش‌های غیررسمی کلانشهرها بوده است. در کشورهای پیشرفته هنگامی که مهاجرت به شهرها صورت گرفت یک ضرورتی برای آنها بود چون صنایع به نیروی کار احتیاج داشتند؛ و زیرساخت‌های جدید نیروی انسانی در شهرها فراهم شده بود؛ در حالی که در ایران ضرورتی

مناطق در بازار ملی با توجه بیشتر به شهرستان‌ها و شهرها همراه بوده است. در فضای نوظهور سیاسی و اقتصاد ملی این شهرها در حکم گره‌ها و نقاط پیوند بودند؛ دولت از طریق این شهرها قادر به اعمال قدرت و کنترل مناطق خارج از شهرها بود. فروپاشی نظام منطقه‌گرایی، وحدت فضای ملی و افزایش قدرت دولت همگی به این معنا بود که تهران اهمیت روزافزون پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری

شهرها به اعتقاد رابرت پارک کارگاه تمدن بشری هستند آزمایشگاهی که پیوسته در دسترس متخصصان شهری قرار دارد. شهرنشینی در عصر معاصر که کاستلر اطلاعات‌گرایی را تا حدی معادل فراصنعتی‌گرایی در نظر گرفته در این دوره جهان شهرها براساس پارادایم اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی روند رشد و توسعه شهری را تبیین می‌کنند. همانگونه که تافلر در موج سوم بیان داشته جهان دو موج را پشت‌سر گذاشته است موج اول که مربوط به کشاورزی و موج دوم صنعتی می‌باشد تافلر موج سوم را براساس پایه‌های کامپیوتری، الکترونیک و بیولوژی قرار داده است و براساس این داده‌ها به بررسی و تحلیل تحولات علوم مختلف پرداخته است، در موج سوم جامعه به سمت دانایی محوری و هوشمندی سوق داده می‌شود و در عین حال ماهیت فعالیت‌ها دگرگون می‌شود و وابستگی فعالیت‌ها به مکان از بین می‌رود و بیشتر کارها را در خانه بدون خروج از آن به انجام می‌رسانند. در عصر اطلاعات فعالیت‌ها انعطاف‌پذیری خاصی دارند و سقف زمانی محدودی برای انجام کارها وجود ندارد. این در حالی است که در گذشته قسمتی از کاربری‌ها در سطح شهر به مکان فعالیت‌ها اختصاص داده شده است و در عصر اطلاعات بدون استفاده واقع می‌شوند و نیازمند نگرش جدیدی در کاربری

زمین می‌باشند. به طور مشخص فرآیند تحولات بین شهرها، روستاها در رابطه با کلانشهرها به دلیل عوامل جاذبه آن همیشه به نفع کلانشهر بوده و این تحولات منجر به شهرنشینی گسترده‌ای شده است. جهانی‌شدن روند شهرنشینی را در کشورهای در حال توسعه تسریع بخشید و با توجه به اینکه در عصر اطلاعات مرزهای جغرافیایی و تا حدی زمان اهمیت گذشته خود را در مقابل فناوری‌های جدید از دست خواهد داد. در این عصر شاهد دو جریان متضاد با دو دیدگاه متفاوت هستیم. در یک سو کشورهای توسعه‌یافته هستند که نرخ رشد شهرنشینی را تا حدی ثابت کرده‌اند. در این کشورها مساله شهرگرایی مطرح است یعنی تغییر و تحولات جمعیتی و حاشیه‌نشینی به شکل مصطلح که در کشورهای در حال توسعه مطرح است وجود ندارد. در کشورهای پیشرفته اصولاً پایه‌های زیرساختی توسعه شهرنشینی را محکم کرده‌اند و کم‌کم مسایل شهری و مشکلات شهری را به مرور زمان و با توجه به اینکه الگوها و کانال فکری و بینش نسبت به مساله را در درون سیستم خود دارند و توسعه در آنها درون‌زا است بر مشکلات فایق می‌آیند. از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه قرار دارند در این کشورها شهرنشینی از سرعت بالایی برخوردار است. فرآیند جهانی‌شدن و بازتاب آن در کشورهای در حال توسعه از جمله در کلانشهرها و پایتخت‌ها نمود پیدا کرده است. در این فرآیند یک سری ارزش‌ها، نمادها، الگوها و طرح‌ها برای کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه با توجه به فراگیر شدن آن در نظر گرفته شده است که از یک طرف تعادل اکولوژیکی محیط زیست که بستر فعالیت‌های انسان محسوب می‌شود را به هم می‌زند. از سوی دیگر ساختار کالبدی کلانشهرها را دگرگون می‌سازد. از لحاظ اجتماعی نیز با توجه به مهاجرت عظیم نیروی انسانی که از نقاط روستایی و شهرهای کوچک به سوی کلانشهرها به امید یافتن کار صورت

می‌گیرد. که ساختار ناهمگون اجتماعی را در کلانشهرها به دنبال دارد. در ایران و مخصوصاً در کلانشهر تهران روند شهرنشینی در دوره معاصر یک ناهمگونی خاصی دارد. از یک طرف تحت‌تاثیر فن‌آوری‌های پیشرفته قرار گرفته که بیشتر آنها وارداتی است و با ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی ما سازگاری ندارد در وهله دوم رشد شهرنشینی در تهران منبعت از مهاجرت‌های داخلی می‌باشد. تهران کلانشهری که مرکز اصلی تصمیمات سیاسی، اقتصادی در کشور می‌باشد. از آنجایی که همیشه، نقطه اصلی دگرگونی و مفاهیم جدید- چه خوب چه بد- پایتخت است. تهران به عنوان شاهدی بر تجدیدطلبی، دگرگونی‌های عمیقی را در دهه‌های اخیر در اثر جریان‌های جهانی پذیرفته است. با توجه به بررسی‌ها به این نتیجه رسیدیم که فرآیند جهانی‌شدن از لحاظ اداری و سیاسی تاثیر عظیمی بر ساخت کالبدی و فضایی کلانشهر تهران داشته است و این روند تاثیرگذاری از دهه‌های پیش در قالب مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بوده است که هر کدام از این جریان‌های علمی و فکری در بافت کالبدی شهر موثر بوده‌اند و تغییراتی را در کالبد شهر داشته‌اند از سوی دیگر جهانی‌شدن در ارتباط با دو جریان قبلی بوده و تشدید و تکمیل‌کننده اثرات آنها می‌باشد. در آخر با توجه به بررسی انجام شده به این نتیجه رسیده‌ایم که روند شهرنشینی در کلانشهر تهران به دلایل مختلفی نظیر صنعتی‌شدن شتابان، جهانی‌شدن و ... قبل از انقلاب و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ حالت شدیدتری نسبت به بعد از انقلاب داشته است.

منابع

- ۱- آلوین تافلر، ۱۳۶۸؛ موج سوم، خوارزمی، شهیندخت؛ موج سوم؛ تهران
- ۲- آلن جان اسکات، ۱۳۸۴؛ شهر و منطقه‌های جهانی؛ ترجمه کاظمی، پانته‌آلفی؛ شرکت انتشارات پردازش در برنامه‌ریزی شهری؛ تهران
- ۳- اکبری خجنی، نظام؛ ۱۳۸۲؛ مهاجرت و سازگاری؛ انتشارات نوید؛ شیراز
- ۴- پوراحمد، احمد- رستمی، شایان، ۱۳۸۴؛ جهانی‌شدن و شهر؛ پژوهشگاه علوم انسانی فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
- ۵- حسامیان، فرخ؛ ۱۳۸۵؛ وابستگی و شهرنشینی؛ گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای؛ تهران
- ۶- حبیبی، محسن، ۱۳۸۳؛ از شار تا شهر؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ چاپ ششم
- ۷- جان رنای، شورت، ۱۳۸۴؛ جهانی‌شدن و شهر؛ انتشارات پردازش در برنامه‌ریزی شهری؛ تهران
- ۸- خمر، غلامعلی، ۱۳۸۵؛ اصول و مبانی جغرافیای شهری؛ انتشارات قومس؛ چاپ اول؛ تهران
- ۹- رضویان، محمدتقی، ۱۳۸۳؛ جهانی‌شدن، تمدن و شهرنشینی؛ پژوهش‌های اقتصادی؛ تهران
- ۱۰- زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۲؛ توسعه کالبدی تهران در فرآیند مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن؛ نشر مدرس؛ دوره ۷ شماره ۲
- ۱۱- عظیمی، ناصر؛ ۱۳۸۱؛ پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری؛ نشر نیکا؛ مشهد
- ۱۲- قزل‌سلفی، محمدتقی؛ ۱۳۷۹؛ جهانی‌شدن رویارویی یا همزیستی؛ اطلاعات سیاسی اقتصادی؛ شماره ۱۵۵ و ۱۵۶ مرداد و شهریور
- ۱۳- کارگر، بهمن؛ توسعه شهرنشینی و صنعت گردشگری در ایران؛ انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ تهران
- ۱۴- یان آرت شولت، ۱۳۸۲؛ نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی‌شدن، ترجمه کرباسیان، مسعود؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران

- ۱۵- مهدیزاده، جواد؛ ۱۳۸۵؛ برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران؛ شرکت نشر پیام سیما، چاپ دوم؛ تهران
- ۱۶- مدنی‌پور، ۱۳۸۱؛ تهران ظهور یک کلانشهر، ترجمه زرآزوند، حمید؛ انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری؛ تهران
- ۱۷- نصری آزاد، امین؛ ۱۳۸۵؛ شهر در دوران جامعه شبکه‌ای، مروری بر نظریات مانوئل کاستلز، فصلنامه تحلیلی پژوهشی علوم اجتماعی- سال یازدهم شماره‌های ۱۵ و ۱۶
- 18- Alperovich,G&Deatsch,G.1992.Population Density Gradient And Urbanization Measurement Published In Urban Studies.
- 19- Branner,N.And Keil,R.2000.The Global Cities Reader.Routledge Press Mayor.
- 20- Bradnock,W.R.1989.Case Studies In The Developing World Urbanization In India. John Murray Ltd,London.
- 21- Geyer,H.S.2002.International Hand Book Of Urban System. Edward Edgar Publishing Incuse
- 22- Gheru,F.Globahization. And Uneven Urbanization In Africa :The Limits To Effective Urbanization In The Provision Of Basic Service. Published In Elsevier Science Ltd.
- 23- Hall,P.&Englewood,N.J.1966.Urbanization In Newly Developing Countries. Printed In The United States Of American.
- 24- Hauuser,P.M.1989.World And Asian Urbanization In Relation To Economic Development And Social Change, Printed In India PP55-95-2 United Nation ,Prospect Of World Urbanization 1989 New York.
- 25- Hettne,B.1999.Globalization And The New Regionalism :The Second Great Transformation London: Macmillan Press Ltd
- 26- Knauder,S.2000.Globalization,Urban Progress, Urban Problem, Rural Disadvantages Evidence From Mozambique.Ashgate Publishing,USA
- 27- Mahdavi,M.2005.Beyound Centralism And Monism: The Iranian Path To Democracy. This Paper Was Delivered At The Fifth Biennial Conference Society For The Iranian Studies At Bethesda

- 28- Marcotullio, P.J. 2002. Globalization, Urban From And Environmental Condition In Asia –Pacific Cities. PUBLISHED Carafe Publishing. Urban Studies
- 29- Moor, E.W. And Smelser, J.N. 1989. Urbanization In Neely Developing Countries. Prentice –It'll International/Inc, London.
- 30- Price, D. 2003. Globalization From Below: The Ranking Of Immigrant Cities .Published By Blackwell Publishing.
- 31- Robinson, W.I. 2005. Critical Globalization Studies. Rout Ledge Publishing In USA
- 32- Robert, B. 2005. Globalization And Latin American Cities. International Goral Of Urban And Regional Research
- 33- Yadave, s.g. 1993. Globalization And Viewpoint Of Development Of Informational Society.
- 34- Zhao, X.B. & Chan, C.K. Sit, T.O. 2003. Globalization And The Dominance Of Large Cities In Contemporary China, Printed In Great Britain.
- 35- WWW.UN.Org